

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۶ جون ۲۰۱۵

## ذره نوازیهای استاد بزرگوار داکتر صاحب هاشمیان

پس از غیابت نسبتاً طولانی، اینک صفحات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را با مقالات استاد بزرگوار، داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان، مزین میبینم، که کمال خرسندی من و یقیناً بسا خوانندگان ارجمند پورتال را بار آورده است. استاد گرانقدر در صفحه ۳۱ می ۲۰۱۵ پورتال مقالته منتشر ساختند، که این خاکنشین را در مصطبه ای بسیار بالا نشانده و ذره را به اوج مهر و ماه رسانده اند. وقتی مقاله استاد تحت عنوان "عمرت دراز باد دانشمند معروفی" از نظرم گذشت، در حالی که عرق شرم بر جبین داشتم، در دلم گذشت:

**نشود که این بالا بالا بردن مرا غره سازد و خود را آن بینم، که نیستم!!!**

به هر حال از ذره نوازیهای استاد گرامی جهانی سپاس دارم. و سیری در گذر گذشته ها: با وجودی که نظر به نوشته استاد، هردو سالها پیش در عین منطقه کابل کهنه نشین داشتم، مگر شاید به خاطر تفاوت سنی و یا دورتر قرار داشتن مسکن، شرف معرفت ایشان حاصل نشده بود و من نام استاد هاشمیان را بار اول از طریق جریده "امید" شنیدم. در آن وقت بعضاً مقالاتی در "امید" نشر میکردم؛ و چون به کمپیوتر و تایپ کمپیوتری و ایمیل و غیره پدیده های جدید عملاً ارتباط نیافته بودم، مقالاتم را با دست و قلم مینویشتم و عنوانی آن جریده میفرستادم و بعد مدیر هفته نامه، آقای محمد قوی کوشان، خود آنها را تایپ کرده و به نشر مسپرد؛ و متأسفانه با عالمی از اغلاط تایپی و اغلاط املائی، که از ذهن و سرانگشت خود جناب کوشان سر میزد. و

باز وقتی مقالاتم را روی صفحات "امید" میدیدم، از نوشتن ناامید میشدم؛ و در دل همان جمله معروف زنان کابلی را تکرار میکردم، که:

"همی بود و همی شد!!!"

(همین بود و همین شد!!!)

یعنی؛ این آخرین بار بود، که چنان کردم و دیگر این اشتباه را مرتکب نخواهم شد!!!

مگر باز مقاله مینوشتم و به "امید" میفرستادم - مقالاتی از هر قبیل - چون جای و مرجع دیگر نشر را بلد نبودم. از بس از دست "امید" و غلطنویسی آن به بینی رسیده بودم، در صدد شدم، تا لاقلاً جهت اصلاح اغلاط املائی و تئپیک نویسندگان "امید"، مقالاتی بنویسم و در صدد رفع مشکلات اینقبیلی و طندارانم برآیم - سلسله "از امید به امید" به همین منظور سر دست گرفته شد. ولی وقتی دیدم که حتی همین مقالات - که باید سرمشق درستنویسی میبودند - هم از دست مدیر صاحب جریده مغلوپ تایپ و نشر میشد، از ادامه آن منصرف گشتم.

پسانها که چشم و دیده باز گشت، به نشریات دیگر افغانها هم دسترس پیدا کردم و مجلات فخمی چون "آئینه افغانستان" و "درد دل افغان" را اشتراک کرده و به هر دو مقاله فرستادم. وقتی پدیده نامیمون "افغانستانی" - که در واقع "نطفه حرام" دشمنان افغانستان بود - گل کرد، ارتباطها عمیقتر شد، چون تمام عناصر وطنپرست دست به دست هم داده و بیخ و بنیاد دار و دسته منحوس "افغانستانی" را متزلزل ساخته و ایشان و افکار منحنط ایشان را یکسره از سر راه روفتند. درین عرصه مهم ملی، بعد ازین که نویسنده آگاه و عاشق افغانستان، جناب ولی احمد نوری، مقاله "استعمال نام افغانستانی جرم است" را در اواخر اپریل سال ۲۰۰۴ به میدان انداختند، صفوف عناصر وطنخواه فشرده تر و فعالیتهای ایشان گسترده تر و همه جانبه تر گشت. از یادم نمیرود، که وقتی دو قسمت اول مقاله "افغان، افغانی، افغانستانی" را در جریده "امید" نشر کردم، روزی در اواخر ماه جولای همان سال در ساعات دیگر، تلفون نوری صاحب رسید. ایشان، که مقاله ام را بی اندازه زیاد ستودند و حتی آن را "مقاله قرن" نامیدند، خواهش چاپ آن را در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نمودند. من در حالی که ازین رویداد خرسند گشتم، موافقتم را ابراز کردم. و کمی بعدتر تلفون آقای دیپلوم انجینر قیس کبیر، در رسید. وی نیز که از مقاله حسن استقبال میکرد، خواست موافقتم را جهت نشر این مقاله بگیرد، و من چنین کرده و اظهار نمودم، که موافقتم را قبلاً به نوری صاحب ابراز کرده ام. اما تلفون قیس جان کبیر بیشتر بدان سبب بود، تا پای مرا به پورتال "افغان جرمن آنلاین" بکشاند. من که تا آن زمان فقط با جریده "امید" سر و کار داشتم، از خدا خواستم که راهم به سایتهای انترنتی کشانده شود؛ خصوصاً که جریده "امید" بسا مقالاتم را سانسور کرد و موقع نشر نداد. از طرف دیگر روز تا روز میلان انحرافی "امید"

را مشاهده کرده و از آن به گفتهٔ زنان کابلی "دلگزید" شده بودم و قلباً میخواستم، که امکانات وسیعتر و از همه مهمتر موافق به افکارم را بیایم و با ایشان همکاری کنم. به زودی رابطه ام را با جریده امید قطع کرده و همکار و بعداً عضو پورتال "افغان جرمن آنلاین" گردیدم.

گفتم، که از طریق جریده امید با نام داکتر صاحب هاشمیان آشنا شدم. نشرات "آئینه افغانستان" و شخص خود استاد هاشمیان خار چشم جریده "امید" و ناشرش، "قوی کوشان"، شده بود و این افغان "ناافغان" روزی نبود، که به مقابل استاد هاشمیان از بدماشی و بی بند و باری کار نگیرد. معلوم بود که مجله "آئینه افغانستان" و موقف اصولی آن در بسا موارد، اشخاص غیر ملی و ضد ملی - به شمول "امیدیان" - را "مویدماغ" ساخته بود ....

از هژدهم ماه آگست ۲۰۰۸، که پورتال مبارز و آزاده "افغانستان آزاد - ازاد افغانستان" شروع به فعالیت کرده و من از همان اول عضو تیم مؤسسان این وبسایت معظم بودم، در مدت فعالیت مستدام و خلل ناپذیر این صفحه پيشتاز، با بسا شخصیتهای مهم و خیراندیش وطن افتخار همصاف بودن را داشته ام. چنان که تجربه نشان داد، امور پورتال مدبرانه و با همکاری شانه به شانه، و با پشتوانه وسیع عناصر آگاه، مبارز، مردمدوست و وطنخواه پیش رفت و به بلوغی که اینک شاهد آنیم، رسید؛ و این کاملاً شایسته شأن این صفحه ملی بوده است. امروز با افتخار میتوانیم بگوئیم، که پورتال در صف تمام وبسایتهای افغانی، موقعیت خاص، ممتاز، پیشرو و نوآفرین دارد؛ و یقین دارم که آیندگان نیز امور پورتال را به همین استواری، شگوفانگه خواهند داشت، و بلکه آن را به مدارج عالیتر از شگوفائی و خدمتگزاری در راه وطن و مردم سوق خواهند داد.

آقای نجیب مایل هروی - همان افغان ایرانشین و ایرانیپرست مقیم "آستان قدس رضوی" مشهد - رساله ای نوشته است، تحت عنوان "بگذار تا از این شب دشوار بگذریم". این افغان ناسپاس، که به صف "ناافغانان" پیوسته و خود را از دامن وطن اصلی خود عاق کرده است، این رساله را به جواب نشریات "آئینه افغانستان" و بالخاصه و مشخصاً شماره ۲۹ آن، منتشر کرده است. وی در این کتابک از هر طرف - از زبان گرفته تا دانش زبان و فرهنگ و "وطن فرهنگی" - گز کرده و با لحنی مؤهن بر نویسندگان آئینه افغانستان - و خاصتاً پوهاند فقید، استاد "محمد نسیم نکهت" - تاخته است. گرچه در نظر دارم، که دربارهٔ این رساله و هدف از نشر آن طی مقاله ای مستقل، مفصلاً بنگارم، اما همین اشاره را فعلاً کافی میدانم، تا نشان بدهم، که نشرات "آئینه افغانستان"، عمال سرسپرده جمهوری اسلامی ایران و عناصر ناافغان فارسنشین را به اصطلاح کابلی به

<sup>۱</sup> - "دلگزید" مخفف "دلگزیده" و از اصطلاحات معروف عامیانهٔ زنان کابلی ست، و مراد از آن "آزرده دل"، "بیزار" و "آن که دلش از چیزی سیاه شده باشد"، میباشد. زنان اصیل کابلی - و خصوصاً زنان مسن - این کلمهٔ وصفی را با مصادر "کردن و ساختن" - معتدی - و "شدن و گشتن" - لازمی - گردان میکردند.

"تیتک" آورده بود و من خواستم ضمن ذکر خیری از داکتر صاحب استاد هاشمیان و خدمات ایشان، ساحه و شعاع عمل مجله ایشان را جلی بسازم ....

خدمات استاد هاشمیان، خواه در دوران تدریس در پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل، و خواه از طریق مجله وزین "آئینه افغانستان" غیر قابل انکار است. استاد همین حالا هم، که کسالت بدنی ایشان را خسته ساخته و به فرموده خودشان "جور هم نیستند"، از فعالیت فرهنگی و روشنگری لحظه ای باز نایستاده اند. آرزو میکنم، که این وجود زیجود، سالهای سال استوار بمانند؛ و همیشه پرکار و در فعالیت فکری و در خدمت وطن و مردم و فرهنگ ایشان!!!